

قدرتی که هنوز مستور است

نوشته: ال. ام. گرانت

در روح خداوند انرژی زنده و فعالیتی وجود دارد که نتایج متعددی را بوجود می آورد. این مورد در اولین اشاره کلام خدا به او، بطور باشکوهی مطرح شده است. "و زمین تهی و بایر بود و تاریکی بر روی لجه و روح خدا سطح آبها را فروگرفت. و خدا گفت: «روشنایی بشود.» و روشنایی شد" (پیدایش ۱: ۲-۳). در اینجا، قدرت بسیار زیادی در این حرکت ادامه دار نهفته است. چرا که نور با سرعت ۱۸۶۰۰۰ مایل بر ثانیه در حرکت است. و این تصویر کار روح خدا در فرایند به توبه سوق دادن و نهادن دانه ایمان در فردی است که در گذشته در گناه و تاریکی و بی ایمانی می زیسته است. نور با آن انرژی متحرک و پویای خود به جان او رخنه کرده و او را نجات می بخشد.

اما روح دیده نمی شود. این نور است که قابل رویت است. نور خود کشف شده و مکشوف می سازد. در نور هر چیزی همانطور که هست دیده می شود. عیسی مسیح به شکلی سمبلیک و نمادین به نور طبیعی تشبیه می شود؛ همانطور که خود می گوید: "من نور جهان هستم" (یوحنا ۸: ۱۲). بنابراین ما در مسیح، خدا را همانطور که هست می بینیم. و نور صورت او ذهن ما را نیز منور می سازد و این اولین کار بزرگ روح القدس است که در وجود ما به انجام می رساند و ما را از تاریکی به نور و از حاکمیت شیطان به سوی خدای زنده، انتقال می دهد.

این امر با یوحنا ۳: ۸ نیز مطابقت دارد که می گوید: "باد هر جا که می خواهد می وزد و صدای آن را می شنوی لیکن نمی دانی از کجا می آید و به کجا می رود. همچنین است هر که از روح مولود گردد". این کار عظیم الهی بوسیله شخصی نادیده به انجام می رسد و فرد مسیحی بوسیله روح خدا از نو متولد شده و روح در او به عنوان منشع قوت روحانی سکونت می گزیند.

قدرت و قوت روح القدس کاملاً حقیقی و واقعی است. اما روح توجهی به کار خود در زندگی افراد ندارد بلکه بیشتر در پی این است که افراد را متوجه شخصیت متبارک و کار عیسی مسیح نماید. همانطور که خود عیسی مسیح به شاگردانش فرمود: "او مرا جلال خواهد داد زیرا که از آنچه آن من است خواهد گرفت و به شما خبر خواهد داد" (یوحنا ۱۶: ۱۴).

کار تازه او در دوران فیض

همانطور که کار عظیم روح در تولد تازه و ایجاد حیات ابدی به پیش می رود (این کار قبل از دوران کنونی ما است). کار دیگری نیز وجود دارد که توسط او به انجام رسیده و قبل از روز پنطیکاست (اعمال ۲) ما هرگز از آن مطلع نبودیم. چرا که اکنون روح خداوند خود در کلیسای خدا سکونت دارد و نقطه آغازین این فرایند، در اعمال باب ۲ دیده می شود. روح خدا هم به شکلی فردی در شخص ایماندار ساکن شده و هم به شکلی جمعی در کلیسا مسکن می گزیند. " آیا نمی دانید که بدن شما هیکل روح القدس است که در شما است که از خدا یافته اید و از آن خود نیستید " (اول قرنیتان ۶:۱۹). این جمله به ایمانداران اهل قرننس گفته شد که حتی "جسمانی" و " اطفال در مسیح" نامیده شدند و نیاز داشتند که دوباره حقیقت این امر برایشان ثابت شود (اول قرنیتان ۳:۱). هر ایمانداری به شکلی فردی مسکن و هیکل روح القدس می باشد؛ اگرچه این امر در زندگی او به خوبی مشهود نباشد. " آیا نمی دانید که هیکل خدا هستید و روح خدا در شما ساکن است؟ " (اول قرنیتان ۳:۱۶). و این مسئله فقط به شکلی فردی محدود نمی شود بلکه برای کلیسا نیز مصداق دارد و کلیسا نیز به معنوی هیکل خداوند بوده و روح القدس در آن سکونت دارد.

این یادآوری برای قرنیتان بسیار ضروری بود. نه اینکه باعث فخر و جلال آنها شود؛ بلکه باعث تحریک قلب آنان شده تا کلیسای خدا را بنا کنند. ما باید بطور مداوم با کار روح در بدن عیسی مسیح همکاری کنیم؛ بدنی که در اینجا هیکل خدا نامیده می شود؛ محیطی که جلال خدا را به دنیای امروز نمایان می سازد. کار روح نیکو، مهم و اساسی است؛ اگر چه او خود مستور است ولی از پشت صحنه کار می کند.

پر شدن از روح به چه مفهومی است؟

اگر از روح القدس پر هستیم؛ قطعاً توجه و باری در قلبهای ما بوجود خواهد آمد تا هر ایمانداری از برکات ابدی برخوردار شده و کلیسای خداوند به شکلی عمیق در اثر خدمت ما، تأثیر پذیرد. اگر چه روح القدس در کلیسا سکونت دارد؛ اما این بدان معنی نیست که کلیسا از روح القدس پُر می باشد. و همچنین، اگر چه روح القدس در همه ایمانداران سکونت دارد؛ اما هیچ کدام از آنها جرأت ندارد که ادعا کند همیشه از روح القدس پُر می باشند. اگر چنین بود؛ هیچ نیازی به چنین نصیحتی نداشتیم: " و مست شراب مشوید که در آن فجور است، بلکه از روح پر شوید. و با یکدیگر به مزامیر و تسییحات و سرودهای روحانی گفتگو کنید و در دلهای خود به خداوند بسرایید و ترنم نمایید " (افسیان ۵: ۱۸ - ۱۹). توجه کنید که به ما گفته شده که از روح القدس پُر شویم؛ نه این که ادعا کنیم از روح القدس پُر هستیم.

پُر شدن از روح القدس به معنی بیشتر برخوردار شدن از روح القدس نیست. چرا که او یک شخص زنده است و صرفاً نوعی تأثیر یا انرژی نیست. اما پُر شدن به این معنی است که اجازه بدهیم او هر بخشی از زندگی ما را تحت اختیار خود بگیرد و عیسی مسیح به عنوان تنها هدف و مقصود با ارزش زندگی ما باشد. و آنقدر مایه شادی و شغف قلب ما شود که در نظر ما هیچ چیز دیگری با او یکسان نباشد.

یحی تعمید دهنده (لوقا ۱: ۱۵)؛ مادرش الیصابات، و پدرش زکریا (لوقا ۱: ۶۷) همگی قبل از پنتیکاست از روح القدس پُر شده بودند. و همگی آنان راجع به مسیح صحبت می کردند. و همین شهادت مبارک نیز برای در توصیف اعمال ۲: ۴ بکار رفته است. شاگردان همگی در یکجا و به یک دل جمع بودند که روح خداوند با قدرت عظیم خود بر آنها نازل شد تا فصل تازه ای را از حیات کلیسای خداوند به آنها معرفی کند. " همه از روح القدس پر گشته، به زبانهای مختلف، به نوعی که روح بدیشان قدرت تلفظ بخشید، به سخن گفتن شروع کردند".

منظور از این واقعه صرفاً شادمانی شخصی نبود. در حقیقت، مردمی با ملیتهای مختلف در آنجا حضور داشتند و شنیدند که شاگردان به زبانهای آنها سخن می گویند. " اینها را می شنویم که به زبانهای ما ذکر کبریایی خدا می کنند". به شاگردان این قدرت عطا شده بود که با زبان خود به حقیقت مرگ و قیام عیسی مسیح شهادت دهند؛ اما به زبانی که هرگز فرا نگرفته بودند. آنها می دانستند که سخنان آنها به جهت شهادت دادن بود. آنها سخن می گفتند تا هر که مشتاق برکت حقیقی و خالص است؛ گوش فرا گیرد.

مواظب تقلید کردن باشید

از آن به بعد، بسیاری در پی این بوده اند که آن از معجزه عظیم تقلید کنند. اما شاگردان هرگز در پی صحبت کردن به زبانها نبودند. این معجزه به شکلی بی اختیار و ناخودآگاه بر آنها واقع شد و صرفاً کار خدا بود که بوسیله روح جاری شد. صحبت کردن به زبانها نشانه ای بارزش بود مبنی بر اینکه انجیل عیسی مسیح برای هر ملت و قومی زیر آسمان فراهم است و دیگر محدود به قوم اسرائیل نمی شود. این معجزه نشان می داد که در کلیسا درک و فهم جدیدی از همه ملتها شکل گرفته است؛ و در نتیجه نشانه ای از اتحاد و یگانگی بشمار می رفت.

اگر کسی به منظور جلب توجه ادعا کند که این عطیه را دریافت نموده است؛ کاملاً اشتباه و غلط می باشد. اگر کسی به زبانها سخن گوید و نداند چه می گوید؛ این تقلیدی خطرناک است. اگر کاری خود شخص را تقدیس نمی کند دیگران نیز تقدیس نخواهد کرد؛ که این والاترین هدف از بخشش عطایا است. او هیچ تجربه حسی را عطا نمی کند تا انسان را جلال دهد. بلکه توجه همگان را به سوی شخصیت و اعمال مسیح سوق می دهد. این مصداق حقیقی پنطیکاست می باشد. و اکنون نیز صادق است. وقتی صورت استیفان چون صورت فرشتگان می درخشید (چرا که بطور خاصی از روح القدس پُر شده بود). او به زبان غیر و یا به زبان فرشتگان سخن نمی گفت. چرا که مخاطبین او یهودیان بودند. اما او حقیقتی گرانقدر و اساسی را راجع به خداوند مطرح نمود. و توجه همه حاضرین و اطرافیانش را متوجه شخصیت عیسی مسیح نمود که بر دست راست خدا ایستاده بود (اعمال ۶: ۱۵ - ۷: ۵۶).

در اعمال ۴: ۸، پطرس از روح القدس پُر می شود و با امانت با حاکمان قوم یهود صحبت می کند که سخنانش مبنی بر عیسی مصلوب و قیام نموده از مردگان بود (اعمال ۴: ۸-۱۲). در همان فصل (آیه ۳۱) همه شاگردان از روح القدس پُر گشته و کلام خدا را با شهامت اعلام نمودند. پولس (اعمال ۱۳: ۹-۱۱) از روح القدس پُر شد و الیماس جادوگر را با جدیت داوری نمود تا دیگر راه راست خدا را مخدوش ننماید.

در تمام این وقایع، پُر شدن از روح القدس، ذکر شده است. فقط یک مورد از آنها به زبانها سخن گفته شد (اعمال ۲: ۴) و آن مورد نیز مربوط به امری خطیر و خاص بود که دیگر هرگز تکرار نخواهد شد.

پُر شدن از روح القدس، برای هر ایماندار، مزیت با ارزشی است؛ اگر برای او عیسی مسیح تنها هدف و مقصود زندگی باشد. این امر به شکلی ضروری مستلزم خود داوری و تفتیش صادقانه است تا به هیچ صورتی اجازه داده نشود که جسم جای مهمی را برای خود اشغال نماید چقدر متبارک خواهیم بود اگر اجازه بدهیم روح خداوند، عیسی مسیح را در ما و در جماعت ما جلال دهد.

ال ام گرانت